سال بیست و هفتم – شماره ۱۱۰۳

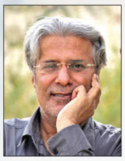
نسیم جنوب

www nasimjonoub COM

شنبه ۳ آذر ۱۴۰۳ ۱۲ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)





انگار بوشهر در انتظار تو بوده باشد

محمد لطفی



قدرت تاثیرگذاری و الهام‌بخشی ما

حسین زیرراهی



به دنبال صادرات میگوی پرورشی بوشهر به چین

رضا سیاهوشی



آمریکا و روسیه، دو روی یک سکه

رضا غبیشاوی



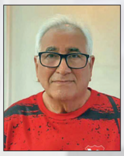
شعر آتشی هنوز سایه‌سار می‌افکند

شعله آتشی



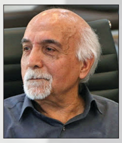
تداوم بی‌مهری صنعت به کتابفروشی‌های جنوب

محسن رضایی



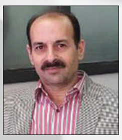
تا زنده‌ام وامدار مردم بوشهر هستم

فرهاد امینی



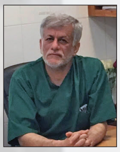
چرا صداها شنیده نمی‌شود؟

حسین حشمتی



آقای پزشکیان، چه چیزی منطقی است؟

دکتر عباس حاتمی



کلینیک ترک بی‌حجابی؛ درس نگرفتن از عملکردهای اشتباه گذشته

دکتر عبدالرحیم مهرور

همسان‌سازی حقوق؛ عدالت اجتماعی یا توهم واقعیت‌های اقتصادی؟

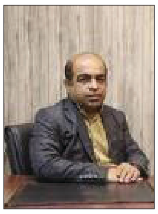
لغو شکایات از رسانه‌ها به دستور سرپرست مجتمع گاز پارس جنوبی



سرپرست مجتمع گاز پارس جنوبی در گامی تازه برای تقویت تعامل با اصحاب رسانه، دستور توقف تمامی شکایات و روندهای قضایی علیه خبرنگاران، رسانه‌ها و روزنامه‌ها را صادر کرد.

این اقدام در راستای ایجاد ارتباطی سازنده و موثر با جامعه فرهنگی و رسانه‌ای کشور و هم‌راستا با سیاست‌های دولت چهاردهم انجام شده است. به گفته سرپرست مجتمع گاز پارس جنوبی، این تصمیم با تاکید وزیر محترم نفت و به منظور حمایت از آزادی بیان و ایجاد فضایی مثبت برای همکاری با رسانه‌ها اتخاذ شده است.گفته می‌شود این دستور گامی مهم در تقویت اعتماد و هم‌افزایی میان صنعت نفت و رسانه‌ها خواهد بود، و زمینه‌ای برای گسترش شفافیت و اطلاع‌رسانی دقیق در این حوزه فراهم می کند.

انتصاب مدیر واحد کار و خدمات اشتغال سازمان منطقه ویژه پارس



نفت نما: با صدور حکمی توسط احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، عبدالمجید حیاتی به سمت مدیر واحد کار و خدمات اشتغال سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس منصوب شد.

گفتنی است حیاتی از مدرسین دانشگاه‌های استان بوشهر بوده که در حال حاضر مشاور مدیرعامل و نماینده تام‌الاختیار سازمان منطقه ویژه پارس در مسئولیت های اجتماعی می باشد.

وی سوابقی همچون رییس اداره اشتغال و هدایت نیروی کار این سازمان، سرپرستی اداره آموزش و عضو کمیته سامان‌دهی نیروی انسانی سازمان منطقه ویژه پارس را در کارنامه دارد.

حیاتی همچنین دبیر کمیته مسئولیت‌های اجتماعی سازمان منطقه ویژه پارس و نماینده تام‌الاختیار این سازمان در کارآفرینی نیز بوده است.

طرح جامع بندر خارگ بوشهر تدوین شد

مدیرکل بنادر و دریانوردی استان بوشهر گفت: طرح جامع بندر خارگ با هدف توسعه زیرساخت‌ها و ارتقای ظرفیت عملیاتی بندر مروارید در این جزیره تدوین شد.

محمد شکیبی‌نسب اظهار کرد: اجرای طرح جامع بندر خارگ، که جزو اولویت‌های سازمان بنادر و دریانوردی قرار دارد، می‌تواند تاثیرات چشمگیری در توسعه و بهبود زیرساخت‌های بندر مروارید داشته باشد.

دیدار استاندار بوشهر با ستادهای پزشکیان در بوشهر

صداقت در گفتار و عمل سرلوحه امور مدیران این استان باشد



www.OSTB.ir Photo: Saeid.Firoozi

استاندار بوشهر گفت: رفتار صادقانه با مردم و بیان با صداقت تنگناها، موجب مشارکت آنان برای رفع مشکلات می‌شود برهمین اساس به همه مدیران تاکید کرده ام این مهم را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دهند.

به گزارش ایرنا ارسلان زارع در نشست با اعضای ستاد مردمی دکتر پزشکیان در استان بوشهر اظهارداشت: جامعه‌ای قدرتمند است که بتواند مشارکت موثر مردم در تصمیم‌گیری‌ها را جلب کند و به صورت یکپارچه از همه ظرفیت‌ها بهره بگیرد.

وی افزود: تاریخ غنی سرزمین‌مان گویای پایمردی مردم مقابل مشکلات و حضور آنان در بزنگاه‌ها برای دفاع از کیان کشور است. از دریافت پیشنهادات صاحبنظران و افراد دارای ایده در مسیر توسعه بوشهر، استقبال می‌کنم و ستادهای مردمی دکتر پزشکیان را ظرفیت موثری در تحکیم پیوند بین مسئولان و بدنه جامعه می‌دانم.

دست دغدغه‌مندان توسعه استان را برای همکاری می‌فشارم



استاندار بوشهر گفت: در سایه اتحاد و همدلی، به دنبال رشد و پیشرفت بوشهر باشیم و در این مسیر؛ دست همه کسانی که راهبرد توسعه استان را دنبال می‌کنند، برای همکاری می‌فشارم.

ارسلان زارع در نشست با اعضای ستاد دکتر پزشکیان در بوشهر با قدردانی از کوشش کسانی که در ستاد مرکزی دکتر پزشکیان در انتخابات، برای پیروزی گفتمان وفاق ملی تلاش کردند افزود: در سایه برخورد صادقانه با مردم و تقویت وفاق ملی، استفاده از همه ظرفیت‌ها برای جبران کاستی‌های استان بوشهر را در دستور کار دارم و معتقدم باید از افراد صادق، متعهد، شایسته، متخصص و البته معتقد به گفتمان دولت، استفاده کنیم. استاندار بوشهر یادآورشد: مردم با حضور خود در انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم و رای به دکتر پزشکیان، نارضایتی خویش از شرایط پیشین را اعلام کردند و نیم دیگری از مردم که پای در عرصه مشارکت در انتخابات نیز نگذاشتند؛ به گونه‌ای دیگر، عدم رضایت خود را بیان داشتند.

رفتارهای سلبی و تنگ‌نظرانه، موجب سرخوردگی جامعه به‌ویژه نسل جوان می‌شود



دکتر ارسلان زارع در نشست با اعضای شورای ائتلاف ستادهای دکتر پزشکیان در استان بوشهر خاطر نشان کرد: دولت چهاردهم با پشتوانه حمایت مردم و شعار وفاق ملی، یک گام عملی در راستای تقویت وحدت و تحکیم همدلی در جامعه برداشت و این، فرصتی تاریخی است تا در جبران عقب‌ماندگی‌ها و رفع نقاط ضعف در ارائه خدمت به مردم عمل کنیم.

دکتر زارع تصریح کرد: باید بکوشیم با رفتار و عملکرد صحیح، آن بخش از جامعه که گلایه‌هایی دارند را به سمت نظام اسلامی جذب کنیم.

وی اضافه کرد: معتقدم رفتارهای سلبی و تنگ‌نظرانه، موجب سرخوردگی جامعه به‌ویژه نسل جوان می‌شود و این رفتارها، فاصله‌ها با حاکمیت را بیشتر می‌کند در حالی‌که وظیفه ما استفاده از همه ظرفیت‌هاست.

وی اضافه کرد: ملاک و معیار به کارگیری مدیران در استان را بر اساس شاخص‌ها و شایستگی‌ها می‌دانم و در جلسه اخیر شورای اداری استان نیز تأکید کردم نظام ارزشیابی نیروی انسانی تدوین شود تا به‌کارگیری نیروهای انسانی در استانداری، بر مبنای تخصص و تعهد مطابق با کارنامه ارزشیابی افراد باشد.

به طور قطع با وضعیت ایده‌آل، فاصله داریم



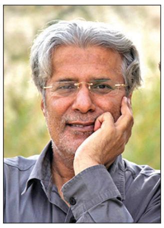
دکتر ارسلان زارع در نشست با اعضای ستاد امید در استان بوشهر اظهار داشت: از تلاش‌های انجام شده اعضای ستاد امید در انتخابات تشکر می‌کنم و این دیدار را فرصتی مغتنم برای تقویت وفاق و تحکیم انسجام می‌دانم.

وی افزود: امید به آینده‌ای بهتر، یکی از دلایلی بود که مردم کشورمان به دکتر پزشکیان رأی دادند تا در شرایطی که یأس و ناامیدی فراگیر شده بود، دولت چهاردهم برای بهبودی شرایط برنامه‌ریزی و اقدام کند.

استاندار بوشهر خاطر نشان کرد: به طور قطع با وضعیت ایده‌آل، فاصله داریم اما آن‌چه که مردم را به آینده امیدوار می کند، همین تغییراتی است که ایجاد شده و قبلا امکان آن وجود نداشت. مشکلات بوشهر در سایه برنامه راهبردی توسعه و البته تعامل، انسجام و هم افزایی دستگاه ها مرتفع می شود.

انگار بوشهر در انتظار تو بوده باشد

محمد لطفی



انگار بوشهر در انتظار تو بوده باشد تا گل سرت را مانند رودابه باز کنی و شب از راه برسد، ناطور باطری ریواک چراغ قوه را عوض می‌کند، سال ها مسیر خانه تا گمرک را با سیکل بیست و هشت فونیکس رکاب زده است ، هر شب سبقت ثانیه ها را تا عمق جان حس کرده و حالا بعد این‌همه سال گاهی به یاد زمان‌های مرده سکوت می‌کند، در اتاقک شیشه‌ای نگهبانی (گارد) گمرک دل هر شب را دانه دانه خاطرات نشانده. رستم و اسفندیار دیشب به شب‌نشینی با او به بوشهر آمده بودند، و شب پیشتر سیاوش وقتی با سرافرازی از آتش عبور کرد، غصه‌هایش که مانند انجیری رسیده باشد را با او واگویه کرد، از سودابه وکیکاوس گفت، زشتکاران را نکوهید و جوانمردی را ستود، ناطور سال‌ها حماسه وتاریخ و اساطیر را به دستان موج ها سپرده تا از مرز خیال بروند و تن تبدار پهلوانان به پاشویه دورترین دریاها برسد، چه شب‌ها که پهلوانان اساطیری بغض‌هایشان را بر شانه‌های او نباریده و او پیچاب اندوهان رامثل بوق کشدار کشتی‌ها در گوش شب فریاد کرده است، چو ایران نباشد تن من مباد، بیت بیت شاهنامه را تا وقتی حماسه‌ها دور ساقه‌های روح و روانش می پیچد، او را ببرد به تصور خیال‌هایش. مثل، لامپی آویزان که در نرمه باد شمال سایه‌های بزرگ و اشکالی ماوراءیی می‌سازد، قاب هایی اساطیر مانندی که جان می گیرند روی اتاقک شیشه‌ای و انعکاس آن بر سطح دریا کش می آیند در غناهشت لیفتراک‌ها که مانند گبگو کانتینرها را با دو بازو بلند می‌کنند، در هیبس گفتن هیابانگ ریگرها که با اشاره راننده جرثقیل را متوجه می‌سازند شلیف‌ها و صندوق‌ها را به هوک زده آماده رفتن به خن بزرگ کشتی است. یزله جاشوها شور شری می اندازد به جانش و همراه موج‌های خسته که تازه پاگشای بوشهر شده‌اند، گویی تمام روح و روانش از آسمان و دریا وگمرک و اتاقک شیشه‌ای پرمی‌کشد، شانه به شانه رستم به خوان آخر رسیده اند. پای غاری که دیو سپید کیکاووس را به بند کشیده است، تونالیته صدایش را نیم پرده بالا می برد و در سمفونی صدا های یارد می‌خواند

تهمتن به نیروی جان‌آفرین
بکوشید بسیار با درد و کین
بزد دست و برداشتش نره شیر
به گردن برآورد و افکند زیر

رستم تیغ بر کشیده است به نیرویی شگفت یک پا و یک دست از پیکر دیو را جدا می کند چنگ زده و چون نره شیری دیو سفید را بلند کرده برزمین می‌کوبد، بی درنگ خنجر بر کشیده و پهلوی او را



بریده و جگر او را از سینه بیرون آورده، دیو چون نهنگی بیجان بر خاک می افتد.

بوق کشدار کشتی‌ای که تا خره خره زیر بار کانتینرها نشسته او را به خود می‌آورد، خیره به اسکله و کشتی‌ای که میان حرمت آواز جاشوها از اسکله جدامی شود، نرمه باد شمال می‌تازد و او برای بستن زخم‌های رستم در غیاب فعل زمان، واژها را به آتش می کشد ، و همه تن خود بک می‌گیرد....

زندگی آگاهانه

قدرت تاثیرگذاری و الهام‌بخشی ما

حسین زیرراهی – مدرس مهارتهای توسعه فردی



جان ایزو نویسنده کتاب «به پا خاستن برای انسانیت» می گوید یک روز سرد برفی در سال ۲۰۰۲ سوار هواپیمایی در کلیولند شدم و خیلی زود متوجه شدم اغلب مسافران اطرافم دارند از شرایط آب و هوایی، هواپیما، شرکت هواپیمایی و خلاصه از زمین و آسمان گله می کنند و غر می‌زنند. این غر زدن‌ها حال دیگران را هم بد کرده بود. پنج ردیف جلوتر خانمی با کودک خردسالش نشسته بود. کودک بعد از چهل دقیقه تلاش توانست سر خود را از لبه صندلی بالا بیاورد و رو به ما لبخندی بزند. همین لبخند باعث شد حال پنج ردیفی که او را می‌دیدند عوض شود و با لبخند و صدا زدن به استقبالش بروند. او می گوید آن‌جا اصل «پنج ردیف» را کشف کردم که ما برای هر مساله می‌توانیم بر روی پنج ردیف از اطرافیان خود تاثیر بگذاریم. این تاثیرگذاری موجی ایجاد می کند که با اضافه شدن دیگران و تاثیر بر پنج ردیف اطراف‌شان می‌تواند حتی یک مساله اجتماعی بزرگ را حل کند. مشکل اصلی انباشته شدن کارهایی است که در پنج قدمی هر کدام از ما وجود دارد ولی هیچ اقدامی برای آن نمی کنیم.

تاثیرگذارترین انسان‌ها آدم‌های ساده‌ای هستند که بجای بهانه آوردن مسئولیت تغییر را بر عهده می گیرند و دست به اقدام می‌زنند. با این پرسش از خود که نقش من چیست و چه کاری می‌توانم بکنم؟ و شناسایی پنج ردیف اطراف خود. آن‌ها به صداهای منفی مغز خود گوش نمی کنند و حتی آن‌را به چالش می کشند. عمل آن‌ها باعث می‌شود دیگران هم از آن‌ها تقلید کرده و موجی الهام بخش ایجاد کند.

پس وقتی با مشکلی برخورد می کنیم که زندگی خود و دیگر انسان‌ها را با مشکل مواجه کرده است ضمن پذیرش مسئولیت‌پذیری صددرصد خود کافی است از همان جایی که ایستاده‌ایم شروع کنیم. نیاز نیست رییس‌جمهور شویم بعد اقدام کنیم. جان ایزو می گوید اگر می‌خواهید برای مساله‌ای کاری بکنید فقط شروع کنید. کاری بکنید هر کاری که باشد. بدون کامل گرایی، بدون برنامه مشخص و فقط عده‌ای همفکر را جمع کنید و با آن‌ها در میان بگذارید. در یک گردهمایی از آینده صحبت کنید. حتی لازم نیست در آن کار مهارت داشته باشید. فقط شوق مهم است. ممکن است موفق نشوید ولی اگر اقدام نکنید هم شکست تضمینی است هم پشیمانی آینده را با خود دارد.

فرض کنید شما از وجود زباله‌های زیاد در تفرجگاه طبیعی نزدیک شهر خود در عذاب هستید. آن‌قدر زیاد است که نیاز به هزار نفر کارگر و روزها کار مداوم دارد. یکی روز موضوع را درجمع دوستان خود مطرح می کنید. یا در یکی از رسانه‌های محلی آگهی با این مضمون درج می‌کنید که در فلان تاریخ ما می‌خواهیم برای نظافت جنگل فلان اقدام کنیم. هر که دوست دارد به ما بپیوندد. ممکن است روز اول فقط بیست نفر با شما بیایند. ولی همین افراد بر پنج ردیف اطراف خود اثر گذاشته و در روزهای بعد این جمعیت بیشتر می‌شود. اقدام شما مانند لبخند آن کودک در هواپیما جو را عوض می کند.

گزارش نمایشگاه چینگ دائو در کشور چین

به دنبال صادرات میگوی پرورشی بوشهر به چین

رضا سیاهوشی



مقدمه: به همت شرکت شهرک های صنعتی استان بوشهر و هماهنگی با شرکت سبزه‌سازان پارس ایمن شیراز، مقدمات حضور در نمایشگاه بین‌المللی در شهر چینگ دائو چین فراهم گردید که با تعدادی از عزیزان عازم به سفر شدیم.

چینگدائو شهری از استان شاندونگ که در سال ۲۰۲۰، به‌عنوان یک شهر جهانی سطح گاما + توسط شبکه تحقیقاتی جهانی‌سازی و شهرهای جهان رتبه‌بندی شد.Qingdao همچنین یکی از ۸۰ شهر برتر جهان برای تحقیقات علمی جهانی است .

این شهر دارای چندین دانشگاه برجسته ازجمله دانشگاه اقیانوس چین، دانشگاه نفت چین، دانشگاه علم و فناوری شاندونگ، دانشگاه علم و فناوری، دانشگاه صنعتی و کشاورزی می‌باشد. تجارت و واردات و صادرات نیز در آن بسیار دیده می‌شود.

روز اول: تقریبا ساعت ۱۰ صبح به وقت محلی و ۵ صبح به وقت ایران رسیدیم فرودگاه شانگهای چین.

در ورودی فرودگاه مراحل قانونی از قبیل پرکردن فرم ورود و سپس مراجعه به کانتر ورودی برای اجازه ورود که انگشت نگاری و چک کردن پاسپورت داشت.

باتوجه به این‌که از قبل و در ایران بلیط داخلی از شانگهای به چینگ دائو برای ساعت ۱۴ اکی شده بود، از طریق پروازی که مدت آن تقریبا یک ساعت و سی دقیقه بود به آن شهر که محل برگزاری نمایشگاه بود سفر کردیم.

ساعت ۱۶ از فرودگاه چینگ دائو خارج شدیم و با هماهنگی که از قبل انجام شده بود، راننده اتوبوس به استقبال گروه آمد که ما را به هتل محل اقامت برساند.

به هتل که رسیدیم و با مشخص شدن اتاق‌ها و چون همه خسته سفر بودیم به استراحت پرداختیم.

روز دوم: اول صرف صبحانه داشتیم و چون از قبل برای رفتن به نمایشگاه هماهنگی شده بود، راس ساعت ۱۰ سرویس آمد و رهسپار مجموعه نمایشگاه‌های چینگ دائو شدیم و ساعت ۱۱:۴۰ رسیدیم.

به نوعی لازم است از زیبایی و تمیزی سطح شهر آن هم گفت که نشان از فرهنگ مردم و کارایی بسیار جالب، موثر، باکیفیت و مهمتر از آن احساس مسئولیت مسئولان و کارکنان شهر و شهرداری می باشد.

حدود ۵ ساعتی در نمایشگاه بودیم و به غرفه‌های مختلف و بطور خاص «آبزیان و فرآوری» سر زدیم و تعدادی از دوستان هم پیگیری دستگاه‌های هوادهی در استخرهای پرورش میگو و همچنین فرآوری نمودند.

نشست‌های متعددی برگزار گردید و تقریبا نتایجی گرفته شد که مقرر گردید پس از سفر، از طریق ایمیل پیگیری کارهای اداری و قانونی معاملات انجام پذیرد.

روز سوم: راس ساعت ۹ سرویس آمد و بچه‌های گروه بسیار سرحال و با نشاط آماده حرکت به طرف نمایشگاه شدند.

محل نمایشگاه از شهر چینگدائو، دو مسیر داشت که یکی از راه های آن از طرف پل جیاوجو بود (پلی که مابین شهر چینگ دائو و هوانگ دائو ساخته شده و دومین پل بزرگ جهان هست که در کشور چین ساخته شده، ضمن این‌که همون اولین پل هم در همین کشور می باشد) که راننده سرویس بخاطر احترام به گروه از روی آن عبور کرد تا این مسیر هم که حاصل تلاش و خلاقیت‌های خاص چینی‌هاست را ببینیم.

آن‌ها با برقراری ارتباط خوب با بیشتر ممالک و گشودن در کشورشان به دنیا واقعا مسیر پیشرفت، توسعه و ترقی را به درستی طی کرده و دارند دنیای تک قطبی را در همه زمینه‌ها به رقابت با خود می کشند!

اما چه باید گفت که ما هنوز اندرخم یک کوچه ایم!

در نشستی که در نمایشگاه و با شرکت های چینی داشتیم، عنوان داشتند ما خریدار همه نوع محصولات هستیم و هیچ مشکلی از بابت واردات نداریم اما در بحث میگو پرورشی



باتوجه به بیماری میگو در دوسال اخیر و پروتکلی که بین ایران و چین رد و بدل شده تا رفع کامل بیماری، مجوز صادرات به چین ممنوع می باشد.

استان بوشهر توانمندی صادرات در زمینه های مختلفی دارد که در بخش کشاورزی و بخصوص شیلات و در زمینه محصولات دریایی و آبزیان نیز بسیار فعال بوده و به یقین در دوسال گذشته و باتوجه به مشکلاتی که برای صادرات میگو به چین پیش آمده اگر روسیه در بحث صادرات «میگو پرورشی» نیز وارد نشده بود چه بسا که ایجاد مشکلات غیرقابل جبرانی برای «پرورش دهندگان» میگو کشور می کرد!

روز چهارم: با هماهنگی که نماینده شرکت پارس ایمن و با طی نمودن مسافتی دوساعته رهسپار کارخانه Zhonglu oceanic fisheries co در شهر Yantai شدیم که در سال ۱۹۹۹ تاسیس شده و یکی از شرکت‌های برجسته در صنعت شیلات چین می باشد .

اولین کارخانه فرآوری چین بودند که تونل‌های انجماد(IQF) آن بین ۲۵ تا ۶۰ درجه زیر صفر بود و کشتی‌های صیادی بسیار مجهز داشتند و با ۳۵ کشور در ارتباط کاری بودند.

فعالیت صیادی در بیشتر دریاها و اقیانوس‌های دریا داشتند و کارخانه‌ای بسیار منظم، مجهز، بزرگ و با تعداد کارگران زیادی که همه آرام و با دقت خاص و سریع فقط مشغول به کار بودند که نشان از تعهد کاری آنان و مدیریت عالی آن مجموعه بزرگ صنعتی داشت که در محیطی بسیار مناسب، مساحت خوب، فضای سبز زیبا، ساختمان‌های شیک اداری و کارگری و تاسیسات کامل و به روز احداث شده بود و فعالیت عمده داشت.

هرچند عمده فعالیت این شرکت تجاری و صنعتی بیشتر صید ماهی صنعتی بویژه ماهی بلوفین که به ماهی سوشی معروف هست (بصورت خام خورده می‌شود) که ارزش تجاری بالایی نیز داشت مثلا قیمت یک تکه ۵۰ گرمی حدود ۶ دلار بود. ضمن این‌که کیفیت کاری این شرکت باعث شده بود تا برند شرکت برتر در چین دریافت نمایند.

و اما پس از ۴ روز سپری کردن در شهر بزرگ و بندری چینگ دائو به شانگهای برگشتیم و تقریبا ۴ روزی هم در آن شهر بزرگ، زیبا، مجهز و دارای امکانات، مهندسی شده، خیابان‌های تمیز و عریض، پل های متعدد (در بعضی نقاط چندین طبقه) و خلاصه یکی از ابرشهرهای دنیا که مدیریت شهری آن واقعا تحسین برانگیز و نشان از در پیش گرفتن راه صحیح پیشرفت و توسعه داشت که به نوعی از تغییر روش دولت چین بزرگ در سیاست داخلی و خارجی و این‌که پذیرفته بودند که اگر همان مسیر قبل ادامه دهند ضمن این‌که درجا زده و به عقب سیر کرده‌اند از دنیای مدرن و به روز نیز بسیار فاصله گرفته و منطق حکم کرده که باید به دنیا رسید و حتی پیشی هم گرفت.

شانگهای یا نیویورک شرق: شانگ‌های در ساحل دریای شرقی چین و در حاشیه جنوبی رودخانه یانگتسه قرار دارد.

سومین شهر پرجمعیت جهان که ۲۴ میلیون جمعیت داشته این شهر یک مرکز اقتصادی جهانی است و بندر آن پرترددترین بندر کانتینری جهان هم به‌حساب می‌آید!

شهر غول آسا و فراوان از جمعیتی که حزب کنونی چین در آن پایه گذاری شد.

آثار تاریخی و معابد و محله‌های قدیمی که در کنار آن آسمان خراش‌های مدرن و مغازه‌های شیک و برندهای گران قیمت بسیار دیده می شود.

شهر روشنفکری و کارگری با ۲۵ دانشگاه و مؤسسه دانشگاهی، نامش هم به چینی«بر فراز دریا» معنی دارد.

رودخانه بزرگ هوانگ پو که از وسط شهر می‌گذرد و آن دو را دو نیمه شرقی و غربی تقسیم می کند، جلوه‌ای خاص به بافت شهر داده است.



۲ وتو آتش بس در فاصله ۲ روز

آمریکا و روسیه ، دو روی یک سکه

رضا غبیشاوی

امریکا و روسیه در فاصله دو روز، دو طرح آتش بس را در شورای امنیت سازمان ملل متحد وتو کردند و به شکست کشاندند. این در حالی است که هر دوطرح توانسته بودند ۱۴ رای موافق را کسب کنند. یعنی به جز کشور وتو کننده همه کشورهای عضو شورای امنیت، موافق بودند اما با این وجود، طرح تصویب نشد.

در این حالت، کشور وتوکننده نه تنها با رای مخالف خود، مانع از تصویب یک طرح با وجود کسب آرای لازم مثبت می شود بلکه خود را در برابر اراده بین‌المللی و جهانی قرار می دهد.

این موضوع نشان می دهد روسیه و آمریکا با وجود قرارگرفتن در دو قطب مخالف یکدیگر اما در قربانی کردن صلح و حمایت از جنگ به نام منافع خود، مسیر مشابهی را دنبال می کنند.

دوشنبه : وتو روسیه علیه آتش بس سودان

در روز دوشنبه گذشته، روسیه به طرح آتش بس فوری در سودان در شورای امنیت سازمان ملل، رای منفی داد در حالی که بقیه ۱۴ عضو شورای امنیت، به این طرح رای مثبت داده بودند.

این طرح با وجود کسب بیش از حد نصاب آرای مثبت، اما به دلیل تنها یک رای مخالف روسیه، وتو شد و از تصویب بازماند.

این طرح به جنگ داخلی سودان می پرداخت و از طرف های نزاع می خواست به جنگ و درگیری و حملات علیه غیرنظامیان پایان دهند.

این طرح از سوی بریتانیا و سیرالئون ارائه شده بود. سودان از یک سال قبل تاکنون درگیر جنگ داخلی است. جنگ داخلی میان ارتش و یک نیروی نظامی به نام «نیروی واکنش سریع». کشور از آن زمان تاکنون درگیر کشتار گسترده غیرنظامیان، ناامنی، تخریب زیرساخت‌ها وآوارگی شمار زیادی از مردم این کشور است.

این جنگ با حمایت کشورهای منطقه از طرف‌های مختلف نزاع و درگیری ادامه دارد.

روسیه با بیان استدلال های مختلف، اقدام خود در رای مخالف و وتو طرح آتش بس جنگ داخلی سودان را توجیه می‌کند.

البته این فقط داستان سودان نیست بلکه قبل از این درباره جنگ اوکراین هم اتفاقات مشابه رخ داده بود. روسیه همچنین بارها در شورای امنیت سازمان ملل متحد، مانع از تصویب قطعنامه‌هایی علیه جنگ این کشور ضد اوکراین شد.

روسیه از سه سال قبل تجاوز نظامی به اوکراین را شروع کرد و این جنگ همچنان ادامه دارد. در این مدت هزاران غیرنظامی از جمله زن و کودک در این جنگ کشته شدند. شهرها و روستاها تخریب شدند و درگیری و انسان کشی ادامه دارد. روسیه نه تنها بخش‌هایی از خاک اوکراین را اشغال و به خاک خود اضافه کرد بلکه در این جنگ حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی را هم ادامه می دهد.

چهارشنبه: وتو آمریکا علیه اتش بس غزه

در روز چهارشنبه هم این تصویر دوباره تکرار شد اما این بار درباره امریکا و اسرائیل و فلسطین.

طرح ارائه شده از سوی ۱۰ عضو غیردائم شورای امنیت درباره آتش بس فوری در غزه به رای گذاشته شد و توانست ۱۴ رای مثبت به دست آورد اما به دلیل یک رای مخالف امریکا، وتو شد و تصویب نشد.



در این طرح از همه طرف‌های درگیر در غزه خواسته شده بود به صورت فوری، آتش بس دهند و جنگ و درگیری را متوقف کنند. ارتش اسرائیل از غزه خارج شود. اسیران اسرائیلی در غزه آزاد شوند و زندانیان فلسطینی در اسرائیل هم مبادله و آزاد شوند.

با این حال با وجود این‌که ۲ کشور غربی حامل اسرائیل در شورای امنیت یعنی فرانسه و انگلیس هم به این طرح رای مثبت دادند اما امریکا در مقابل اکثریت مطلق و همه ۱۴ عضو دائم و غیردائم شورای امنیت ایستاد و با رای منفی، آن را وتو کرد.

نکته طنزآمیز ماجرا این جاست که روز دوشنبه وقتی روسیه، طرح آتش بس در سودان را وتو کرد و مانع از تصویب آن شد آمریکا، مسکو را به مانع سازی در برابر صلح متهم کرد اما همین کشور خود دو روز بعد، مانع از برقراری صلح در غزه شد.

جالب این‌که همان اتهاماتی که امریکا علیه وتو روسیه در روز دوشنبه داشت در روز چهارشنبه، این بار روس‌ها علیه وتو امریکایی ها داشتند و آن‌ها را به دلیل وتو طرح آتش بس غزه، سرزنش کردند.

جنگ یا صلح؟ مسئله این نیست

اما واقعیت این است که برای آمریکا و روسیه، نه جنگ و نه صلح هیچ کدام به خودی خود اصالتی ندارند بلکه مهم منافع این دو کشور است.



اگر منافع امریکا و روسیه در جنگ باشد از جنگ حمایت می‌کنند و اگر منافع آن‌ها در صلح باشد با قدرت تمام از آن دفاع می‌کنند.

این در حالی است که صلح، ارزشمند است و به خودی خود وضعیت مثبت است در مقابل، جنگ، اتفاق منفی است.

نمونه‌های پرتعدادی از حمایت روسیه و آمریکا از جنگ و صلح وجود دارد که هر گاه اراده کرده‌اند هم در جنگ و هم در صلح، توانسته‌اند قدرت نمایی کنند.

به عنوان مثال، آمریکا برای صلح، در ماجرای جنگ بوسنی در یوگسلاوی، جنگ کوزوو و جنگ داخلی لیبی دخالت کرد تا جنگ متوقف و صلح برقرار شود. در حالی که در هر سه مورد، کشورها درگیر جنگ داخلی بودند. حال که کسی از امریکا انتظار ندارد برای توقف جنگ در غزه، مداخله نظامی کند یا حمله نظامی به ارتش اسرائیل داشته باشد اما قطعا با ابزارهای مختلف در دسترس خود می‌توانست مانع از این جنگ یا مانع از این کشتار بزرگ انسان‌ها در غزه به دست اسرائیل شود.

با این حال در ماجرای حمله ارتش اسرائیل به غزه آمریکا به صورت حداقلی و ذره ای از قدرت و توان خود برای فشار بر اسرائیل برای توقف جنگ علیه غزه استفاده می کند.

ضمن این‌که امریکا همزمان با تامین تسلیحات و منابع مالی و ایجاد چتر حمایت سیاسی - دیپلماتیک، فضا را برای کشتار بزرگ در غزه و تحمیل گرسنگی و رنج توسط اسرائیل، مهیا کرد و می‌کند. کشتاری که تاکنون بیش از ۴۰ هزار نفر در منطقه غزه قربانی آن شده اند.

برای کشورهای عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد و به ویژه امریکا و روسیه، جنگ و صلح به خودی خود نه خوب هستند نه بد بلکه ابزارهایی در مسیر منافع آن‌هاست. هر کدام که به منافع آن‌ها و متحدان آن‌ها نزدیک‌تر باشد بر همان تاکید می کنند.

اکثر کشورهای منتقد وتو نیز با اصل وتو مشکلی ندارند بلکه با استفاده از وتو توسط کشور اردوگاه مقابل، مشکل دارند واگر نه وقتی کشور اردوگاه خودی از رای وتو استفاده می‌کند نه تنها بد نیست بلکه کاملا با سکوت از آن عبور می کنند./ عصرایران

تندیس

به استاد منوچهر آتشی

حمیدرضا گشمردی

کنار همان سنگ
که می گفتی
خواهم ماند و
ماندی
خواهم خواند و
خواندی
کنار همان مرمر سپید
آرمیده اندامت
در بیداری قامت بلند حماسه
چگونه لگام کشیدی

تو که می تاختی و می گفتی
«تندیس پیر پرخاش»
جنس بلورین سنگت اما
در شکل هفت اقلیم عشق
با بغضی ترکید
در لبالب نجوایی گوشخراش
همان نی لبک
از شرق
خبرش
چه تلخ بود

***

مرضیه زاهدی

بی تو جهانم آنچنان تازه و شاد و خوب نیست
در دلم عشقِ خنده، در جان بزن و بکوب نیست!

شهرِ بدونِ تو غم است، در دلم آهِ عالم است
هرچه بگویمت کم است، آبِ شفا به جوب نیست!

آه پدر! چه خسته‌ام! بی تو کجا نشسته‌ام؟!
پنجره‌ای شکسته‌ام! هیچ به چارچوب نیست...

ساحلِ غم، غمِ شما! عالمم عالمِ شما!
زخمم و مرهمِ شما بر تنِ این عیوب نیست!

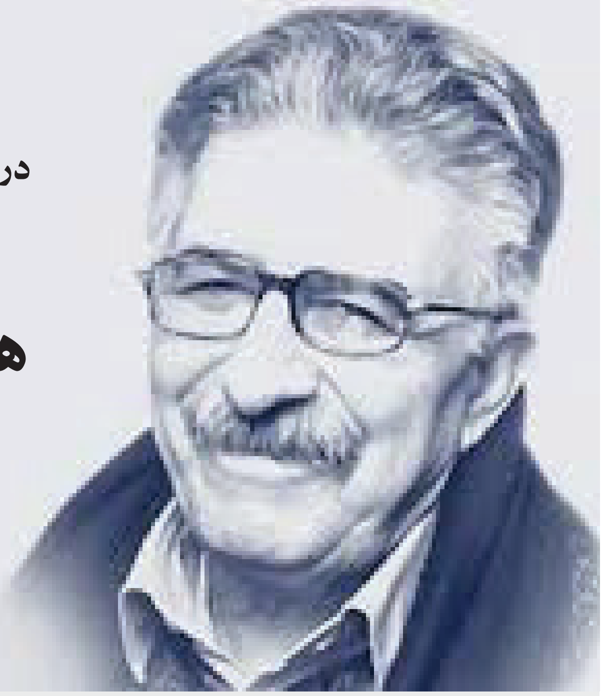
ساحل و بندرم گم است، گیجم و باورم گم است
بالِ کبوترم گم است، لطف در این غروب نیست!

می‌شکند ترانه سرا! آه! پدر... پدر... پدر...
بی تو صفا و عشق در گرمیِ این جنوب نیست!

به مناسبت سالگرد درگذشت منوچهر آتشی

شعر آتشی هنوز سایه‌سار می‌افکند

شعله آتشی



بیست‌ونهم آبان‌ماه هر سال، یادآور طعم سیبی تلخ است. سیب، میوه‌ی دانایی و نماد آگاهی است. شاعر، دانایی می‌بخشد و آگاهی می‌افزاید و این را من از بازخورد شعر پدرم و تجربه‌ی دیدار با مردم فهیم ایران و زادگاه پدرم (بوشهر) دریافته‌ام.

پدرم، منوچهر آتشی، با رسیدن زمان به بیست‌ونهم آبان ۱۳۸۴ کوچ کرد، اما شعرش هنوز پدری می کند و سایه‌سار می‌افکند. پدرم به من درس زندگی داد و معلمی مادام و مستمر بود. بخشیدن، دوست داشتن بدونِ دریغ، حرمتِ انسان، برابری‌خواهی و عشق، آموزه‌های پدرم بودند تا حادثه‌ای در بامداد زندگی‌ام رخ دهد و از خلیجِ تا خزر دوست بدارم دیگران را همانند گندم و گیلاس؛ و این اتفاق آخرم بود.

پدرم، پیش پایت برمی‌خیزم و به یادت هستم مدام و مرا تلنگر یادت بس... اگرچه تلخ است این سیب!

در اعتراض به مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر

انجمن هنرهای نمایشی در جشنواره تئاتر استانی بوشهر هیچ مشارکتی ندارد!

انجمن هنرهای نمایشی استان بوشهر با انتشار بیانیه‌ای به دلیل آن‌چه تخلفات مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر عنوان نموده از سی و ششمین جشنواره تئاتر استان کنار کشید.متن بیانیه انجمن هنرهای نمایشی استان بوشهر بدین شرح است:

جامعه تئاتری استان و گروه های شرکت کننده در سی و ششمین جشنواره تئاتر استانی:

دفاع از تئاتر، هنرمندان و گروه‌های تئاتر وظیفه ذاتی انجمن هنرهای نمایشی است و ما خوشحالیم که مهم‌ترین رویداد تئاتر استانی را که تا همین دو هفته پیش تنها یک دورهمی تئاتری و جشنواره‌ای غیرقانونی بود؛ با همراهی اداره کل هنرهای نمایشی به یک رویداد رسمی و قانونی تبدیل کردیم تا زحمات شما بر باد نرود.

انجمن هنرهای نمایشی استان دقیقا ۲۴ ساعت قبل از برگزاری جشنواره به اداره ارشاد دعوت شد. این جلسه موقعی برگزار شد که اداره کل هنرهای نمایشی وزارت ارشاد زیر بارِ مسیر غیرقانونی ارشاد بوشهر نرفت و این اداره راهیَ نداشت مگر دعوت از انجمن به جلسه. اولین جمله رد و بدل شده در این جلسه این بود که: «انجمن به خاطر زحمات و تلاش‌های گروه های تئاتری استان» در جلسه حضور پیدا کرده است. مدیر کل ارشاد در آن جلسه به اشتباه خود اعتراف کرد و از انجمن هنرهای نمایشی استان خواست تا برای رسمی شدن جشنواره به این داستان ورود کنند. جالب است بدانید مدیر کل ارشاد علیرغم اعتراف به اشتباه و عذرخواهی در جلسه، در ادامه باز هم به مسیر تخلفات خود برگشت!!!

حالا که جشنواره را بخاطر تلاش و زحمات گروه‌ها قانونی کرده‌ایم؛ رسما اعلام می کنیم در برگزاری این جشنواره هیچ مشارکتی نداریم.

ایستادن کنار مدیری که «قانون گریز» است و در یک‌سال گذشته در قبال تئاتر و انجمن هنرهای نمایشی استان تخلف‌های متعددی انجام داده است نخست در شأن تئاتر و دوم در شان این انجمن نیست.

از نهادهای نظارتی و به ویژه وزارت فرهنگ فرهنگ و ارشاد اسلامی درخواست داریم از این تخلفات به سِادگی نگذرند. در سه سال گذشته زخم عمیقی بر گرده فرهنگ و هنر این استان ایجاد شده که ترمیمش زمانِ بسیار می خواهد.

به امیدِ سرافرازی تئاتر استان و گروه های تئاتری

هیئت مدیره انجمن هنرهای نمایشی استان بوشهر

همسان‌سازی حقوق؛ عدالت اجتماعی یا توهم واقعیت‌های اقتصادی؟

سید محی‌الدین حسینی‌مقدم



مقدمه: یکسان‌سازی حقوق یکی از محوری‌ترین موضوعات در عرصه اقتصادی و اجتماعی کشورهاست که به طور مستقیم بر زندگی میلیون‌ها نفر تأثیر می‌گذارد. در حالی که برخی کشورها با موفقیت توانسته‌اند به این هدف دست یابند، در دیگر نقاط جهان، چالش‌های اقتصادی و اجتماعی مانع از تحقق آن می‌شود. این مقاله به بررسی وضعیت یکسان‌سازی حقوق در ایران و مقایسه آن با سایر کشورها می‌پردازد و دلایل نابرابری حقوق‌ها در مشاغل مختلف را تحلیل می‌کند.

وضعیت یکسان‌سازی حقوق در ایران

در ایران، موضوع یکسان‌سازی حقوق به ویژه در بخش دولتی و خصوصی همواره مورد بحث و جدل بوده است. افزایش نابرابری‌های اقتصادی، تورم بالا و ضعف در تأمین منابع مالی از جمله چالش‌هایی هستند که مانع از تحقق این هدف می‌شوند. در حال حاضر، حقوق کارمندان دولت و کارگران بخش خصوصی به شدت متفاوت است و این اختلافات باعث بروز نارضایتی‌های اجتماعی و اقتصادی شده است.

چالش‌ها

۱. نرخ تورم: نرخ تورم بالا در ایران باعث کاهش قدرت خرید کارگران و کارمندان شده و تلاش برای یکسان‌سازی حقوق را به چالشی جدی تبدیل کرده است. به عنوان مثال، نرخ تورم در سال‌های اخیر به طور مداوم بالای ۳۰ درصد بوده است، که به معنای کاهش توان اقتصادی خانواده‌هاست.

۲. کسر بودجه: دولت با کسری بودجه مواجه است؛ این موضوع به معنای محدودیت در افزایش حقوق‌ها و تأمین منابع مالی برای یکسان‌سازی است. در سال‌های اخیر، عدم تعادل در بودجه دولت به کاهش منابع مالی لازم برای پرداخت حقوق و مزایای مناسب منجر شده است.

۳. پاسخگویی به نیازهای اجتماعی: برای یکسان‌سازی حقوق، نیاز به بررسی دقیق نیازهای اجتماعی و اقتصادی جامعه وجود دارد. این امر مستلزم داشتن یک سیستم اطلاعاتی جامع و دقیق است که به سیاست‌گذاران کمک کند تا تصمیمات بهتری اتخاذ کنند.

دلایل نابرابری حقوق‌ها در مشاغل مختلف

نابرابری در حقوق‌ها به دلایل متعددی بستگی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. نوع صنعت و تخصص: مشاغل مختلف نیاز به مهارت‌ها و تخصص‌های متفاوتی دارند. به عنوان مثال، مهندسان نرم‌افزار معمولاً حقوق بالاتری نسبت به کارگران ساده دارند، زیرا تخصص آن‌ها در دنیای دیجیتال بسیار ارزشمندتر است. این تفاوت در تخصص و نیاز بازار کار به طور مستقیم بر میزان حقوق تأثیر می‌گذارد.

۲. تفاوت‌های جغرافیایی: در بسیاری از کشورها، حقوق‌ها بسته به موقعیت جغرافیایی متفاوت است. به عنوان مثال، در ایران، حقوق کارگران در تهران به مراتب بالاتر از سایر شهرهاست. این موضوع به دلیل هزینه‌های بالای زندگی در کلان‌شهرها و تقاضای بیشتر برای نیروی کار ماهر در این مناطق است.

۳. تجربه و سابقه کار: تجربه و سابقه کار نیز نقش مهمی در تعیین میزان حقوق دارد. کارمندان با سابقه کار طولانی‌تر معمولاً حقوق بالاتری نسبت به تازه‌واردان دارند. این موضوع به ویژه در مشاغل دولتی و سازمان‌های بزرگ مشهود است.

۴. میزان تحصیلات: تحصیلات نیز به عنوان یکی از عوامل مؤثر در تعیین حقوق شناخته می‌شود. افرادی که دارای مدرک تحصیلی بالاتر هستند، معمولاً حقوق بیشتری دریافت می‌کنند. به عنوان مثال، فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های معتبر به دلیل مهارت‌ها و دانش خاص خود معمولاً جذب مشاغل با حقوق بالا می‌شوند.



۵. اختلاف در حقوق افراد با تخصص یکسان: یکی از نکات قابل تأمل در حوزه حقوق و دستمزد در ایران، اختلاف فاحش میان حقوق کارمندان با ردیف شغلی یکسان و تخصص یکسان در ادارات و سازمان‌های دولتی است. در بسیاری از موارد، دو کارمند با تجربه و تحصیلات مشابه ممکن است حقوق‌های متفاوتی دریافت کنند که این امر به شدت ناعادلانه به نظر می‌رسد. این اختلاف حقوق‌ها با چه متر و معیاری سنجیده می‌شوند ؟ آیا تنها به دلیل تفاوت در مدیریتی که بر آن‌ها نظارت دارد یا به عوامل دیگری مربوط است؟ این سؤالاتی هستند که نیاز به پاسخگویی دارند و عدم شفافیت در نظام پرداخت حقوق، به نارضایتی‌های اجتماعی دامن می‌زند.

مقایسه با دیگر کشورها

۱. کشورهای اسکاندیناوی: کشورهای اسکاندیناوی مانند سوئد و نروژ به عنوان الگوهایی از یکسان‌سازی حقوق شناخته می‌شوند. این کشورها با سیاست‌های جامع رفاهی و مالیاتی توانسته‌اند نابرابری‌های اقتصادی را به حداقل برسانند. در این کشورها، سیستم مالیاتی پیشرفته و حمایت‌های اجتماعی باعث شده تا اختلافات درآمدی به حداقل برسد. به عنوان مثال، در سوئد، سیستم مالیاتی به گونه‌ای طراحی شده که درآمدهای بالا به طور قابل توجهی مالیات بیشتری پرداخت می‌کنند و این منابع به تأمین خدمات عمومی و رفاه اجتماعی اختصاص می‌یابد.

۲. آلمان: آلمان نیز با وجود ساختار اقتصادی پیچیده و متنوع خود، توانسته است به یک سیستم حقوقی نزدیک به یکسان دست یابد. سیستم آموزشی کارآمد و تأکید بر مهارت‌آموزی به کاهش نابرابری‌های درآمدی کمک کرده است. توافق‌های دسته‌جمعی در بخش خصوصی نیز به افزایش حقوق کارگران و یکسان‌سازی منجر شده است. به عنوان مثال، در آلمان، اتحادیه‌های کارگری توانسته‌اند برای کارگران خود حقوق و مزایای بهتری را به دست آورند.

۳. آمریکا: در ایالات متحده، علی‌رغم رشد اقتصادی، نابرابری‌های درآمدی به شدت مشهود است. مقایسه حقوق‌ها در ایالت‌های مختلف نشان می‌دهد که این کشور به دلیل ساختار اقتصادی آزاد، در تحقق یکسان‌سازی حقوق با چالش‌های جدی مواجه است. افزایش شکاف درآمدی و نبود سیاست‌های حمایتی کافی، مانع از تحقق این هدف شده است. به عنوان مثال، در کالیفرنیا، حقوق‌ها به مراتب بالاتر از ایالت‌های دیگر است، در حالی که هزینه‌های زندگی نیز به نسبت بالاتر است.

نتیجه‌گیری

یکسان‌سازی حقوق در ایران به عنوان یک شعار آرمانی مطرح است، اما واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی موجود در کشور تحقق آن را به چالشی جدی تبدیل کرده است. با نگاهی به تجربه کشورهای دیگر، می‌توان دریافت که برای رسیدن به این هدف، نیاز به یک رویکرد جامع و هماهنگ در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی داریم. این رویکرد باید شامل اصلاحات ساختاری، بهبود وضعیت اقتصادی و تأمین منابع مالی باشد. در غیر این صورت، تلاش‌ها برای یکسان‌سازی حقوق تنها در حد یک توهم باقی خواهد ماند و نارضایتی‌های اجتماعی و اقتصادی را تشدید خواهد کرد.

به طور کلی، برای دستیابی به عدالت اجتماعی و اقتصادی، ضروری است که سیاست‌گذاران با بررسی دقیق و علمی، گام‌های مؤثری برای کاهش نابرابری‌های درآمدی بردارند و شرایط لازم برای یکسان‌سازی حقوق را فراهم کنند. این امر مستلزم شفافیت در نظام پرداخت حقوق و تعیین معیارهای عادلانه و منطقی برای تعیین حقوق است تا از بروز اختلافات ناعادلانه جلوگیری شود و عدالت در نظام حقوق و دستمزد به معنای واقعی کلمه تحقق یابد.

گزارشی از قدیمی‌ترین کتابفروشی شهرستان جم؛

تداوم بی‌مهری صنعت به کتابفروشی‌های جنوب

کتابفروشی که مردمان جم را با خواندن همدل می‌کند

الهام بهروزی: این‌جا پیش از این‌که خوان پرثروت گاز پهن شود، کوچه‌ها و خیابان‌ها و کوه‌ها و دمن‌هایش به بوی کتاب آغشته شده بود. این‌جا مردی بود که با مشقت کتاب را از گردنه‌های صعب‌العبور با چهارپا و بعدها هم با لندرور عبور می‌داد تا دانایی را برای فرزندان و مردمان دیارش به ارمغان بیاورد. اینجا جم است، همان شهر افسانه‌ای که با پردیس استوارش، مردمانی کتاب‌دوست دارد.

به این شهر صنعتی و بسیار صمیمی آمده‌ایم تا به دیدار یکی از دوستداران کتاب برویم؛ کتابفروشی که همه ارکان فروشگاهش را به رنگ کتاب درآورده است. نمای بیرونی فروشگاهش مزین به ادبیات کلاسیک شده و همچنین آثاری از نویسندگان نام‌آشنای جمی مثل فاضل جمی، محمد ولی‌زاده، نوبخت، ایاز و... این نما، آدم را پرت می‌کند به کتابخانه‌ای دنج در گوشه‌ای از تاریخ. این همه سلیقه و دغدغه ما را بیشتر و بیشتر به کتاب‌دوستی جمی‌ها معترف می‌کند؛ مردمانی که در جنوب اسطوره خواندن شده‌اند. این نه اغراق است و نه ادعا! چرا که آن‌ها با کتاب خویشی دیرینه‌ای دارند و لازم است فقط دمی با آن‌ها هم‌کلام شوی. آن‌ها از هر ۱۰ جمله‌ای که می‌گویند، دو بیت شعر می‌خوانند یا بریده‌ای از فلان کتاب را نقل می‌کنند!

این‌ها یک اتفاق نیست! یک تلنگر است برای یادآوری لذت خواندن و همنشین شدن با کتاب؛ همان یار دانا. محسن رضایی، مدیر کتابفروشی پرسپولیس جم که قدیمی‌ترین کتابفروشی شهر را اداره می‌کند، یکی از یاران کتاب است و در تلاش است تا با ابتکار و اجرای ایده‌های نو، نمود کتاب را در فضای این شهر صنعتی پررنگ‌تر کند. نمای این کتابفروشی یکی از ابتکارات خلاقانه مدیر آن است که هر نگاهی را به سمت خود می‌کشاند.

این کتابفروشی میراثی نیک از پدر به وی است و عمری برابر با سن و سال خود رضایی دارد، یعنی هم کتابفروشی و هم محسن رضایی هر دو متولد سال ۱۳۶۱ هستند و هم‌اینک در دهه ۴۰ به سر می‌برند و با هم در نهایت مدارا، می‌کوشند تا کتاب اولویت شهروندان جمی باشد. شهری که امروزه شکل و بوی صنعت را به خود گرفته است و پذیرای اقوام مختلف ایرانی با فرهنگ‌های اصیل و شگرف است و چه پرمعنا این فرهنگ‌های گوناگون با خواندن در این شهر کوهستانی همدل و همراه شده‌اند.

از بچگی به دنیای کتابفروشی قدم گذاشتم

محسن رضایی که از ۷ سالگی تجربه حضور در کتابفروشی را در کنار پدر تجربه کرده است؛ کتابفروشی که نخستین نوشت‌افزاری و عرضه کننده کتاب و مطبوعات در جم بوده است، در خصوص علاقه‌اش به این پیشه و مطالعه کتاب به خبرنگار ایبنا در بوشهر گفت: با این‌که هفت سال داشتم اما با حضور در کتابفروشی بسیار به خواندن کتاب علاقه‌مند شدم، به‌خصوص وقتی پدر کتابی را برایم می‌خواند، بیشتر جذب دنیای کتاب می‌شدم و از همان زمان شروع کردم به جمع‌آوری کتاب برای خودم که بعدها به یک کتابخانه تبدیل شد. در نوجوانی بخشی از این کتاب‌ها را فروختم و سرمایه خودم در کتابفروشی کردم و از آن یک شغل برای آینده‌ام ساختم.

وی در خصوص پیشینه و ساختار فیزیکی این کتابفروشی از ابتدا تاکنون و عامل ماندگاری‌اش در این شهر صنعتی توضیح داد: مکان اولیه این فروشگاه حدود ۲۰ متر بود اما با توجه به استقبال خوب مردم، این فروشگاه چند سال بعد به یک مکان ۴۰ متری منتقل شد و اکنون ۱۴ سال است که این فروشگاه در یک ملک ۳۰۰ متری مشغول به فعالیت است و علاوه بر توسعه مساحت فروشگاه، تغییر دکوراسیون و به‌روز بودن در عرضه جدیدترین کتاب‌ها و اقلام فرهنگی، تنوع زیاد محصولات با عرضه بیش از ۲۰ هزار قلم کالای فرهنگی از عوامل ماندگای این کتابفروشی است.

رضایی یکی از کتابفروشی‌های خوش‌ذوقی است که به تازگی نمای بیرونی بسیار هوشمندانه و البته تماشایی برای فروشگاه خود انتخاب و اجرایی کرده است که خواه ناخواه هدایتگر مخاطبان کتاب به سمت و سوی یار دانایی است، وی درخصوص چگونگی اجرای این نمای چشم‌نواز و مبتنی بر فرهنگ مکتوب گفت: چند سال در فکر تغییر نمای فروشگاه بودیم؛ اما به دلیل شرایط بد بازار و مشکلات مالی موفق به انجام این کار نشدیم تا اینکه در سال ۱۴۰۳ تصمیم گرفتیم با وجود همه مشکلات، ایده خود را اجرا کنیم. می‌خواستیم که نمای جدید فروشگاه مرتبط با صنف‌مان باشد. طرح اولیه که به ذهنم رسید، طرح مداد و خودکار بود که بعد به این نتیجه رسیدیم که چندان جذابیت و زیبایی ندارد. طرح بعد هم نصب طرح جلد ده‌ها عنوان از آثار معروف نویسندگان ایران و جهان بود که از این طرح نیز منصرف شدم تا اینکه یک شب که به منزل پدرم رفته بودم، چیدمان کتابخانه پدر توجهم را جلب کرد و این ایده به ذهنم رسید که نمای بیرونی فروشگاه تلفیقی از آثار کلاسیک ایرانی و بومی باشد.



وی تاکید کرد: یکی از مهم‌ترین دلایلی که باعث شد تصمیم به استفاده از المان کتاب در نمای بیرونی فروشگاه بگیریم، این بود که می‌دیدم اکثر مشتریان کودک، نوجوان و جوان ما با مفاخر ادبی شهر و کشور آشنا نیستند. از این‌رو، مصمم شدیم در کنار جانمایی آثار فاخر شاعران بزرگ ایران چون سعدی، فردوسی، حافظ، مولانا و... تعدادی از آثار سرمایه‌های فرهنگی این شهرستان را نیز معرفی کنیم.

مدیر نخستین کتابفروشی جم ادامه داد: جم از قدیم مهد عالمان، شاعران و انسان‌های فرهیخته بوده است.



در تاریخ جم، بزرگانی مثل فاضل جمی، فتحی، صافی، پریشان، یوسفی، زکی جمی، یغمای جمی و محسنی جمی بوده است و اکنون هم ده‌ها شاعر و نویسنده در جم وجود دارد و مجالس حافظ‌خوانی، شاهنامه‌خوانی، سعدی‌خوانی و مثنوی‌خوانی به طور مرتب در جم برگزار می‌شود. بنابراین به سهم خود تلاش کردم تا بخشی از ظرفیت فرهنگی شهر را در نمای بیرونی فروشگاه به شهروندان امروزی به‌ویژه نسل جوان بازیادآوری کنم.

حاج علی یگانه یکی از بزرگ‌ترین خادمان فرهنگی استان بوشهر است

جم امروز محسن رضایی‌ها را دارد تا مروج فرهنگ کتاب و کتابخوانی در عصری باشند که کتاب در جامعه کنونی تحت تاثیر رشد فزاینده تکنولوژی و چربیدن فرهنگ خوردن و نوشیدن بر خواندن، کمتر مجالی برای خودنمایی در میان دکور فست‌فودی‌های پر رزق و برق پیدا می‌کند. این ابزار دانایی درست در سال‌های پیش از انقلاب و سال‌های ابتدایی بعد از آن‌که هنوز حتی نام توسعه به جنوب نرسیده بود، به همت مردی دیگر که امروز در میان ما نیست، در این شهرستان که راه‌های باریک و صعب‌العبوری داشت، آورده می‌شد و به دست اهالی این دیار می‌رسید. علی یگانه آن مرد بود که تاثیر زیادی در کتابخوان شدن قدیمی‌ترهای جم و حومه آن داشت.

رضایی درخصوص این مروج کتابخوانی درگذشته گفت: مرحوم حاج‌علی یگانه، مسئول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان جم بود. او حدود ۵۰ سال پیش زمانی که راه جم صعب‌العبور بوده است با کوله‌پشتی، چارپا و بعدها با لندرور کتاب را در کل شهرستان جم و شهرهای اطراف مثل دیّر، کنگان، گله‌دار، کاکی و پارسیان توزیع می‌کرد. او همچنین در اکثر این شهرها هم انجمن نویسندگان را راه‌اندازی کرد و از صنایع دستی این شهرها هم حمایت می‌کرد. حاج علی یگانه بی‌شک یکی از بزرگ‌ترین خادمان فرهنگ در تاریخ استان بوشهر هستند.

کتاب‌های فروشگاه را از ناشران معتبر خریداری می‌کنیم

بی‌شک نقش رضایی در کتابخوانی شهروندان جم کنونی

نیز کمتر از یگانه نیست. او نیز دغدغه کتاب را دارد و در این باره بیان کرد: به مطالعه کتاب بسیار علاقه‌مند هستم و لذت‌بخش‌ترین کار برایم مطالعه است. تا مقطع دبیرستان بیش از ۱۳۰۰ عنوان کتاب مطالعه کرده بودم؛ اما متاسفانه بعد از توسعه فروشگاه و مشغله کاری از شدت مطالعه‌ام کاسته شده اما همچنان کتاب می‌خوانم.
از این‌رو، بیشتر کتاب‌هایی که خریداری و عرضه می‌کنیم از معروف‌ترین و معتبرترین ناشران کشور هستند. با وجود این‌که کتاب‌های فیک از سوی ناشران زیر پله‌ای با تخفیف‌های بسیار عرضه می‌شود؛ اما ما سعی کرده‌ایم فقط کتاب‌های نویسندگان و مترجمان بزرگ و معروف از ناشران معتبر تهیه کنیم. بعضی از کتاب‌ها را طبق شناختی که خودم از نویسندگان و مترجمان دارم، انتخاب می‌کنم و بعضی از کتاب‌ها هم به درخواست مشتریان سفارش می‌دهیم.
وی که به تازگی سیستم فروش این فروشگاه را با همکاری یک شرکت حسابداری در یک دوره ٤ ماهه مکانیزه کرده است تا فرایند فروش و خرید مشتریان تسهیل شود، درخصوص انتخاب نام «پرسپولیس» برای فروشگاه کتابشان توضیح داد: نام‌گذاری فروشگاه هم به دلیل علاقه شخصی خودم به باشگاه پرسپولیس و هم به خاطر تخت جمشید بود که نماد تاریخ ایران در جهان است.
رضایی از میزان استقبال شهروندان جمی از خرید کتاب ابراز رضایت کرد و گفت: خوشبختانه از فروش کتاب خیلی رضایت داریم و تقریبا هر ماه باید کتاب‌های فروشگاه را شارژ و به‌روزرسانی کنیم. با این‌که به‌دلیل بی‌اطلاعی از سامانه بازار کتاب در این سامانه حضور نداریم اما از میزان فروش حضوری‌مان رضایت کامل داریم و بیشتر مشتری‌های ما کتاب‌های داستان، رمان، روانشناسی و جامعه‌شناسی خریداری می‌کنند.

کتابفروشی‌ها جنوب؛ قربانی تبانی روابط عمومی‌های صنایع با دلالان غیربومی

اما نکته عجیب و تاسف‌برانگیز است که این کتابفروشی به‌مانند سایر کتابفروشی‌های دیگر شهرهای جنوبی استان؛ یعنی دیر، کنگان و عسلویه از نگاه و حمایت صنایع نفت و گاز مستقر در این منطقه دور مانده است و تنها سهم‌شان از این صنایع آلاینده، استشمام هوای مسموم و آلوده است و بس! و همه اعتبارات میلیاردی بخش کتاب این پتروشیمی‌ها و شرکت‌های صنعتی همچنان به جیب دلالان فرهنگ‌نمای غیربومی و تهرانی سرازیر می‌شود.
رضایی در این باره گفت: متاسفانه با وجود این‌که در شهرستان‌های جم، دیر، کنگان و عسلویه ده‌ها واحد صنفی نوشت‌افزار و کتابفروشی وجود دارد، هر سال اکثر شرکت‌های پتروشیمی و پالایشگاه‌های گاز مستقر در این شهرها برای پویایی نمایشگاه‌های کتاب و نوشت‌افزار با افرادی از تهران قرارداد می‌بندند که همه این نمایشگاه‌ها هم طبق گفته پرسنل خود این شرکت‌ها اکثراً کتاب‌های فیک از ناشران غیرمعتبر و کپی‌کار و اقلام نوشت‌افزاری هم با قیمت‌های ۲ تا ۳ برابر قیمت شهرهای جم، کنگان و عسلویه عرضه می‌کنند.
مدیر فروشگاه کتاب «پرسپولیس» جم تاکید کرد: برای نمونه، یکی از شرکت‌های پتروشیمی مستقر در عسلویه، امسال یک نمایشگاه برگزار کرد که طبق معمول با یک نفر از تهران قرارداد بست؛ روزانه پرسنل این شرکت که به فروشگاه ما مراجعه می‌کردند و قیمت‌ها را می‌گرفتند، خود آن‌ها می‌گفتند که قیمت‌ها در نمایشگاه پتروشیمی ۲ تا ۳ برابر فروشگاه شماست ولی آن‌ها بن شرکت دارند، مجبورند که از نمایشگاه شرکت خرید کنند. این پتروشیمی مستقر در عسلویه، ۱۵ میلیارد تومان به پرسنل خود بن خرید کتاب و کالای فرهنگی داده بود؛ یعنی شخصی که از تهران با این شرکت قرارداد بسته بود، ۵ میلیارد تومان کالا در عسلویه عرضه کرده بود و با ۱۵ میلیارد تومان عسلویه را ترک کرد! یعنی سود ۱۰ میلیارد تومانی طی فروش یک الی دو هفته‌ای! این امر تنها نشان‌دهنده این است که مسئولان شرکت‌ها یا واقعاً از قیمت‌ها بی‌اطلاع هستند و بدون تحقیق قرارداد می‌بندند یا اینکه در سود نمایشگاه شریک هستند!
وی در پاسخ به این سوال مبنی بر این‌که ممکن است این



پتروشیمی‌ها از وجود فروشگاه مجهز شما باخبر نباشند که در نمایشگاه‌های فصلی کتاب خود از ظرفیت شما بهره نمی‌گیرند، بیان کرد: قطعاً خبر دارند، فروشگاه ما با بیش از ٤٠ سال سابقه، فروشگاه ناشناخته‌ای نیست! قدمت ما از قدمت خیلی از شرکت‌های مستقر در پارس جنوبی و منطقه ویژه بیشتر است!
در پایان این گزارش باید تاکید شود که شوربختانه با وجود این‌که در جنوب استان بوشهر صنایع پتروشیمی عظیمی مستقر شده که سالانه بین ۱۰ تا ۱۵ میلیاردتومان اعتبار برای بخش کتاب و کالاهای فرهنگی اختصاص می‌دهند اما این رقم تنها سهم دلالانی می‌شود که مشخص نیست به سفارش چه کسانی جای پایشان در صنعت نفت و گاز مستقر در جنوب استان بوشهر این‌چنین سفت شده است؛ دلالانی که بر خلاف ادعای برخی از مدیران روابط عمومی پتروشیمی‌های مذکور، در این نمایشگاه‌ها بیشتر عرضه‌کننده کتاب‌زرد و کیج هستند و برای این‌که دهان برخی از کنشگران فرهنگی استان را ببندند، در میان هر ۱۰ کتاب جعلی و ناشر ناشناخته، یک کتاب فاخر از ناشر معتبر را عرضه می‌کنند.
به‌راستی در استان یا وزارت نفت ناظری وجود دارد که بتواند مقابل چنین نمایشگاه‌های مضحک و زایل‌کننده سلیقه کارکنان شرکت‌ها و هدر دهنده سرمایه صنعت بایستد؟! سرمایه‌ای که به نام کتاب و به کام دلالان سالانه هزینه می‌شود! در حالی که کتابفروشی‌های بومی این منطقه هیچ بهره‌ای از آن ندارند! آیا این عادلانه است که سهم این مراکز فرهنگی از اعتبار سالانه بخش کتاب پتروشیمی‌ها تنها هوای آلوده و مسموم باشد و سهم دلالانی فرهنگ‌نمای غیربومی سودهای مشکوک میلیاردی!/ (ایبنا)

انتشار کتاب جدید: «سینما زیر ذره‌بین»



انتشارات مسیر سبز با افتخار اعلام می‌کند که کتاب جدیدی با عنوان «سینما زیر ذره‌بین» به قلم حامد طالبیان منتشر شده است. این اثر با قطع وزیری در ۴۳۱ صفحه و در چاپ اول ۱۴۰۳ به بازار کتاب عرضه شده است.
کتاب «سینما زیر ذره‌بین» یک منبع جامع و تکمیلی در حوزه سینما است که با ارائه مباحث نظری، نقد آثار سینمایی، تاریخچه، سبک‌ها و مکاتب سینما، همچنین نظریات، فنون و تکنیک‌های سینمایی، مخاطبان خود را با ابعاد گوناگون این هنر آشنا می‌کند.
از جمله ویژگی‌های برجسته این کتاب می‌توان به ۲۳ پیوست تخصصی اشاره کرد که اطلاعات عمومی و پیشرفته‌ای را درباره سینمای ایران و جهان در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. مطالعه این پیوست‌ها نه‌تنها دانش سینمایی علاقه‌مندان را ارتقا می‌دهد، بلکه با ارائه مطالب جذاب و کاربردی، تجربه‌ای هیجان‌انگیز از مطالعه را برای مخاطبان فراهم می‌سازد.
این کتاب به‌ویژه برای داوطلبان آزمون‌های تحصیلات تکمیلی در رشته‌های سینما و ادبیات نمایشی و همچنین دانشجویان رشته‌های مرتبط که به دنبال منابع آکادمیک و کاربردی هستند، مناسب و ارزشمند است.
انتشارات مسیر سبز این کتاب را به تمامی علاقه‌مندان به سینما و هنرهای نمایشی توصیه می‌کند و امیدوار است که مورد استقبال اساتید، دانشجویان و پژوهشگران این حوزه قرار گیرد.
مدیر هنری و طراح این کتاب سعیده حسنی، رئیس انجمن هنرهای تجسمی بوشهر بوده است.
برای اطلاعات بیشتر و تهیه کتاب به با شماره انتشارت مسیر سبز ۰۹۳۵۹۱۹۸۳۰۴ تماس حاصل کنید.

خانه مشروطیت بوشهر احیاء می شود

رئیس شورای اسلامی شهر بوشهر از احیاء خانه مشروطیت بوشهر خبر داد.
رئیس شورا با اشاره به اینکه منزل سید مرتضی علم الهدی به عنوان سومین خانه مشروطه ایران بعد از تبریز و اصفهان با قدمت ۱۲۰ساله در بافت فرهنگی تاریخی بندر بوشهر واقع شده گفت: احیاء و بهسازی خانه مشروطیت بوشهر یکی از پروژه‌های مدیریت شهری است که در بودجه سالجاری اعتباری بالغ بر ۱۰۰میلیارد ریال برای آن اختصاص و با برگزاری فرایند مناقصه ، پیمانکار آن مشخص و به تصویب شورا رسید و جهت تائید نهایی به کمیته انطباق فرمانداری ارسال شد.

خاطرات فرهاد امینی بازیکن پیشین ایرانجوان و فوتبال تهران و بوشهر(۱۳)

تا زنده‌ام وامدار مردم بوشهر هستم



سلام با عشق، شاید باورش خیلی سخت باشد، ولی برای نوشتن خاطراتم از شهر عزیز بوشهر و دوستانی که از جان بهترم هستند، خیلی وقت‌ها فکر می‌کنم و تحت فشارم تا مبادا صفحه‌به‌صفحه خوبی‌های آن‌ها را آن‌طور که شایسته‌شان است از قلم بیندازم.

آخر نیم قرن از مهرورزی و عشق و عاشقی و شاگردی کنارشان خیلی زود گذشت. با همه این شرایط سعی می‌کنم جوری بنویسم که نوجوانان آن سال‌ها وقتی نخستین بار در رختکن تیم محبوبم ایران‌جوان بوشهر جهت بازی با تیم هما تهران آماده می‌شدیم را به یاد بیاورند. مردان خوب امروز چون داداش علی ماهینی و علی آقا نجفی، هرگز نگاه طولانی و زیر نظر داشتن مرا فراموش نمی‌کنم. در زمان گرم کردن و استفاده از پمادی که عادت داشتم و ماساژ می‌دادم، این دو عزیز دوست‌داشتنی و ایران‌جوانی‌های متعصب در کنارم بودند. بعضی وقت‌ها از چشمان مهربان‌شان شرم می‌کردم و از آن‌ها می‌خواستم کمی فضا بدهند تا من بتوانم پای مصدوم خودم را که به تازگی از آسیب‌دیدگی رهایی یافته بود، ماساژ دهم و گرم کنم. رختکن کوچک و اتاقک محل آماده شدن بازیکنان پر از تماشاگرانی بود که تعدادشان افزون‌تر از کادر فنی و بازیکنان بود. به خوبی یادم هست چهره مهربان و دوست‌داشتنی مردی خوش‌نام و متعصب که در آن شلوغی و ازدحام، هوای من و وحید مینابیان را داشت، زیرا احساس مهمان بودن و همکار بودن را در اداره و سازمان سپاه بهداشت بوشهر می‌کردند.

در فضای رختکن صدای کسی به کسی نمی‌رسید و یکی یکی طرفدارانی چون حاج آقا شهریاری و عباس آقا و کرم ماندگاری و دیگر عزیزان نزدیک می‌شدند و هر یک با بضاعت و تفکر و دیالوگ خود به ما خوش‌آمد و تقاضای زدن گل و پیروزی و خلاصه کلام در آن جو پر از استرس و نگرانی و دلهره، یاور ما بودند.

همه‌چیز زود از ذهن‌مان پاک می‌شد و وحید مینابیان کمی خجالتی و گوشه‌گیر بود و وقتی عرصه به او تنگ می‌شد و لبریز می‌شد به من پناه می‌آورد و زیر لب به من می‌گفت: «فرهاد، چه کار کنیم؟ چطور می‌خواهیم بازی کنیم؟ من اصلاً اسم این‌ها را نمی‌دانم و به خدا حرف‌هایشان را نمی‌فهمم. تو می‌فهمی؟»

من خیلی زود گفتم: «واهیک، رختکن شلوغ است، الان همه را بیرون می‌کنند و مربی حرف می‌زند و حتماً با هم آشنا می‌شویم.» که به یک‌باره هوشنگ خان میرزایی، مرد خوش‌چهره و همیشه خندان، با لهجه بسیار عالی و شمرده شمرده و استفاده از یکی دو کلمه انگلیسی، همه را به صف کرد و گفت: «آماده به سمت استادیوم!» خوشحال شدیم و زمزمه همه بازیکنان ناگهان در تشویق تماشاچیان به سردستگی عمو دلو گم شد و ما خود را درمیان هواداراني چون حاج حسین پاسیار و پدر اخلاقی و مردان بزرگی چون گرگعلی نظرزاده و برادران وردیانی، حاج رضا و حبیب خان پورتقی و ناصرخان خرسند و تاج‌دینی و کلی هواداران دیگر که از محل باشگاه همراه تیم به استادیوم آمده بودند، تشویق و فریاد و صدا کردن نام نادرخان اقدام و کاپیتان باقر شادکامی و مجیدخان چاهی‌بخش و برادران دیگر، به ویژه حمیدخان اردلان و رسول حسن‌پور و یدالله خراجی و تینو حسین حیدری، ما هم به وجد می‌آمدیم.

خیلی منتظر شدیم که لااقل یکی هم در میان تماشاگران اسم ما را صدا کند که این‌گونه نشد. در حین گرم کردن، بعد از صدای تماشاچیان و تشویق بازیکنان، واهیک پیش من آمد و گفت: «ما بازی می‌کنیم؟» که من گفتم: «واهیک، تعداد خیلی زیاد است، ولی شاید به ما هم بازی رسید. مهم نیست، فعلاً روزهای اولی است که آمده‌ایم و هنوز با هیچ‌کس آشنا نشده‌ایم.» صدای سوت مرد سیاه‌پوش و خوش‌قد و قواره، محمدرضا خان محمدی، سکوت عجیبی در استادیوم حکم‌فرما شد و بعد صدای مربی و تشویق مندل خان برزین و حمید خان راستیان و آقای سملیان و بزرگان تیم محبوبم، ایرانجوان بوشهر، که دعوت شدیم به کنار زمین و در نیمه‌ای که هواداران ایرانجوان نشسته بودند، آن‌جا تیم آرنج شد و من و واهیک هم با خوشحالی به میدان رفتیم. یادم هست و نمی‌دانم از کجا جناب هوشنگ میرزایی حدس زده بود که من مکمل خوبی برای ستاره تیم ایرانجوان بوشهر، نادرخان اقدام هستم که تشویق کردند و با سفارش بسیار زیاد که حتماً، حتماً نمایش فانتزی و بازی ترکیبی خوبی شما دو نفر انجام دهید. من هم اطاعت کردم و چشم گفتم و گویا پیوند دوستی من و نادرخان اقدام و تیم محبوبم ایرانجوان بوشهر و بقیه کاپیتان‌ها و بازیکنان از همان‌جا محکم شد. سوت پایان بازی با هما همانا و روی دوش عمودلوی عزیز از استادیوم تا گرمابه دلگشا در محله شاه آباد که گویی همگی ایرانجوانی بودند، سیل تماشاچی‌ها و هواداران تا محله کوتی همراه لیدرها و جوانانی که با طبل و سنج و شیپور غوغایی به پا کردند و در میان آن‌ها بزرگانی چون حاج احمد نظرزاده و بکاخان مهاجر و ماندنی و شاهپور و سینا جان و اسعدپور و برادران کوچکتر حیدری‌ها هم به چشم می‌آمدند.

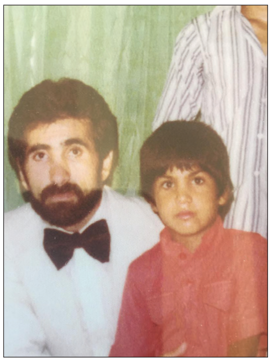
آن روز تا انتهای شب که جشن و شادی و مهمانی و شکلات بین مردم تقسیم می‌کردند، من هرگز فراموش نخواهم کرد، زیرا تولدی دوباره در زندگی ورزشی‌ام کلید خورد و از آن پس فقط سعی کردم همه اتفاقات خوب و مثبت مردم عزیز بوشهر را بخاطر بسپارم و هرگز آن‌ها را با اشتباهات و اتفاقات بد و قضاوت‌های نادرست در سکوها و خیابان و بازار و پاساژ و یا در محیط اداری در سازمان و بنادر و کشتیرانی و یا در مبارزات سنتی در مستطیل سبز قضاوت نکنم، چون مردم بوشهر آن‌قدر نجیب و محجوب و فهمیده هستند که اگر صفحات تاریخ را مکتوب کنند و با هر جمله و انشایی در مورد من کمترین دیکته بنویسند، فقط و فقط جملات مثبت و انرژی بخش‌شان را می‌بینم و بلافاصله با قلم خوش‌رنگ آبی آسمانی یک بیست عالی و هزار آفرین می‌دهم، زیرا از بدو ورودم به بوشهر تا به امروز هرگز غلط‌های املایی و انشایی و اجتماعی و ورزشی‌ام را به رخم نکشیدند و یاد ندارم با قلم قرمز دور اشتباهاتم خط کشیده باشند و با مرام و معرفت ذاتی‌شان گذشت کرده‌اند و من هم تا زنده‌ام وامدار همگی‌شان هستم و دست‌های تک تک‌شان را با افتخار می‌بوسم و تمام عاشقانه دوستشان دارم. زنده باد بوشهر و بوشهری‌های عزیز، پاینده باد نام نیک و قشنگ تیم ایرانجوان بوشهر.



تیم فوتبال ایرانجوان بوشهر۱۳۵۳

ایستاده از راست: واهیک مینابیان، علی جامه‌دار، حسین حیدری، رسول حسن‌پور، عباس شریفیان.

نشسته از راست: فرهاد امینی، حمید اردلان، محمود قدسی، ابراهیم نجاتی، احمد صالحی‌زاده، نادر اقدام.



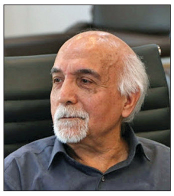
سعید درویشی، فرهاد امینی درجشن ازدواج سال ۱۳۵۷



سعید درویشی، دلو درویشی، فرهاد امینی

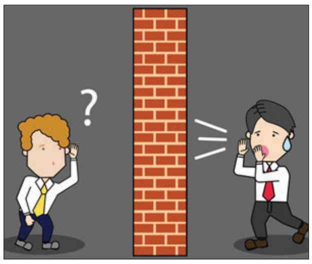
چرا صداها شنیده نمی‌شود؟

حسین حشمتی



استان بوشهر، با وجود این‌که ۴۵ سال از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد و توسعه قابل توجهی در بخش‌های نفت، گاز و پتروشیمی در جنوب استان ایجاد شده است، هنوز در حوزه‌های تجارت دریایی، شیلات، نخیلات و به‌ویژه ایجاد راه‌آهن خوزستان به بوشهر، که به مراتب سهل‌تر و کم‌هزینه‌تر از راه‌آهن شیراز- بوشهر است، دچار عقب‌ماندگی مزمن است. همچنین تأمین آب آشامیدنی سالم از طریق افزایش تعداد آب شیرین کن‌ها نیز به درستی تحقق نیافته است. به گونه‌ای که هر استانداری، اعم از بومی یا غیربومی، که بر سکان اداره استان تسلط می‌یابد، در پیچ و خم‌های دیوان‌سالاری گرفتار می‌شود و به سرعت می‌بیند که زمانش به پایان رسیده و باید منصب خود را به شخص دیگری واگذارد.

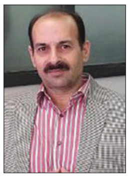
مطبوعات و رسانه‌های برخط بوشهر بیش از ۴۰ سال است که در مورد مسائل و مشکلات مذکور صدها خبر، مقاله و تحلیل منتشر کرده‌اند، اما متأسفانه یا اصلاً مورد توجه مدیران ارشد و ذی‌ربط قرار نگرفته‌اند یا اگر دیده و خوانده شده باشند، به روابط عمومی‌ها دستور داده‌اند تا پاسخی توجیه‌گرانه و غیرقانع کننده به نشریه‌ای که آن مطلب را منتشر کرده است، ارائه دهند. این دور باطل همچنان ادامه دارد. حال آن‌که اگر استاندار، به عنوان نماینده عالی دولت در استان و با اختیاراتی که دارد، به اخبار و هشدارهای رسانه‌های نوشتاری و برخط درباره کم‌کاری و بی‌توجهی مدیران اجرایی استان توجه کند و شخصاً یا توسط معاونت ذی‌ربط پیگیری نماید، از دو حالت خارج نیست: یا خبرنگار به دلیل حب و بغض یا منافع شخصی، خبری را منتشر کرده است که باید با مصلحت‌اندیشی از این نوع کم‌اخلاقی‌ها جلوگیری کرد، یا اگر خبر و مطلب واقعیت داشته باشد، علاوه بر عزل مدیر خاطی، بسته به اهمیت موضوع، باید پرونده به مراجع قضائی ارجاع شود تا پیگیری و مجازات قضایی صورت گیرد.



بدیهی است اگر چنین راهکاری مورد توجه و اجرای نماینده عالی‌رتبه دولت قرار گیرد، نه تنها که می‌توان ادعا کرد بلکه تا ۸۰ درصد در بهبود روند حکمرانی در استان مؤثر خواهد بود.

آقای پزشکیان، چه چیزی منطقی است؟

دکتر عباس حاتمی



آقای پزشکیان گفته‌اند «ورود بنزین به قیمت لیتری ۵۰ هزار تومان و فروش آن به مردم به قیمت لیتری ۳ هزار تومان منطقی نیست!» آقای پزشکیان، بنزین ثروت ملی هست و نباید بر مردم منت بگذارید!

چرا به سایر مشکلات توجه نمی‌کنید؟

آیا منطقی است که پنجمین کشور ثروتمند دنیا، بالاترین تورم و بی‌ارزش‌ترین پول ملی و پاسپورت را داشته باشد؟

آیا منطقی است که به دلیل چهار تار موی سر دختران، این همه هزینه بر کشور تحمیل شود؟

آیا منطقی است که هزاران جوان نخبه، سالانه مجبور به خروج از کشور شوند؟

آیا منطقی است که ضعیف‌ترین اینترنت، بخواهد زندگی مردم را با مافیای فیلترشکن تلخ کند؟

آیا منطقی است که با تورم ۴۰ درصد، افزایش حقوق فقط ۲۰ درصد باشد؟

آیا منطقی است که رئیس‌جمهور، به صورت گزینشی قضاوت کند؟

آیا منطقی است فریادهای ناشی از فقر کارگران، بازنشستگان و فرهنگیان، توسط مقامات شنیده نشود؟

آیا منطقی است که یک شبه ۲۵ درصد قیمت خودرو افزایش یابد و زندگی مردم سخت‌تر شود؟

آیا منطقی است که دکتر پزشکیان، جراح قلب، به وعده خود مبنی بر کناره‌گیری در صورت عدم توفیق برنامه‌ها، تنها در حد کلام باقی بماند؟



یک متخصص بومی، مدیر مجتمع آریاساسول شد



دکتر محمد آهوچهر دانش آموخته دکترای متالوژی با بیش از ۲۰ سال سابقه در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی با حکم مدیرعامل شرکت پتروشیمی آریاساسول، به سمت مدیر مجتمع این غول پلیمری منصوب شد.

دکتر آهوچهر بومی استان بوشهر می‌باشد.

سید مالک حسینی معاون توسعه اشتغال وزارت رفاه شد



وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی طی حکمی سید مالک حسینی را به عنوان سرپرست معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال منصوب کرد. دکتر احمد میدری طی حکمی، سید مالک حسینی را به عنوان سرپرست معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی منصوب کرد.

نگاهی به سوابق سید مالک حسینی: وی قبلا به عنوان عضو موظف هیات مدیره صندوق بازنشستگی بانک‌ها، نایب رییس هیات مدیره شرکت سرمایه‌گذاری غدیر، عضو هیات مدیره و مدیرعاملی سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران، مشاور وزیر و ریاست مرکز اطلاع رسانی وزارت امور اقتصادی و دارایی، هماهنگ‌کننده کمیسیون اقتصادی صحن مجمع تشخیص مصلحت نظام فعالیت کرده است. این سوابق نشان می‌دهد که وی یک گزینه مناسب برای معاونت کارآفرینی و اشتغال بوده و نویدبخش روزهای خوب برای این حوزه است.

وی که دارای مدرک تحصیلی دکترای مدیریت دولتی است پیشتر نیز به عنوان دبیر شبکه ملی سازمان‌های غیردولتی جوانان، ریاست شورای خانه سازمان‌های غیر دولتی و دبیر اجرایی شبکه بین‌المللی اشتغال برای جوانان در بخش غیردولتی فعالیتهای مثمر ثمری داشته است.



نسیم جنوب

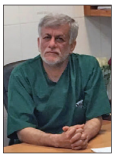
nasimjonoub.com

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: نسیم فقیه
مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

کلینیک ترک بی‌حجابی؛ درس نگرفتن از عملکردهای اشتباه گذشته

دکتر عبدالرحیم مهرور



همیشه مادرم این جمله را می‌گفت: «به حق چیزهای ندیده».

بعضی اوقات از رفتارهایی که از مسئولین می‌بینیم و می‌شنویم، به قدری ناامید و یا خوشحال می‌شویم که احساس می‌کنیم دچار دق و غش می‌شویم.

خانم طالبی دارستانی، رئیس اداره زنان و خانواده ستاد امر به معروف استان تهران، خبر داده که به زودی کلینیک ترک حجاب در تهران افتتاح می‌شود.

راستی پشت این سوژه تمسخرآمیز چه چیزی نهفته است؟ آیا می‌شود پس از این همه موسسه فرهنگی و با بودجه‌های کلان دولتی، مؤسسه‌ای دیگر موازی با آن‌ها افتتاح شود؟!

حال فرض کنیم که چنین کلینیکی افتتاح شده است، درمان در آن چگونه خواهد بود؟ آیا می‌توانید این افراد بی‌حجاب را با دعوتنامه به این کلینیک دعوت و ارشاد کنید (زیرا آن‌ها اعتقادی به رفتارهای شما ندارند) یا این که می‌خواهید گشت ارشاد جدیدی ایجاد کنید؟

علاوه بر این، مشاوره‌های شما در رابطه با بی‌حجابی چیست که تاکنون در اجرای آن موفق نبوده‌اید؟

داروها و نصایح موثر در این کلینیک با کدام مکانیسم می‌توانند در افکار این افراد بی‌حجاب کارساز باشند؟

متخصصین این کلینیک چه کسانی هستند؟

تنها هفته گذشته، طی دو روز دو دانش‌آموز در تهران و کازرون به خاطر برخوردها در مدرسه خودکشی کردند. در حالی که سنگ بنای جامعه از مدارس شکل می‌گیرد و متاسفانه شما نتوانستید با دانش‌آموزان رابطه‌ی صمیمی برقرار کنید، چگونه می‌توانید با کسانی



که از رفتارهای شما ناراضی هستند، مدارا کنید؟

چه کسانی این لقمه چرب و نرم را برای این خانم سخنگوی امر به معروف تهیه کرده و در دهان او گذاشته‌اند تا بودجه‌ای نیز عایدشان شود؟

کجاست فرهنگستان حداد عادل که ستاد امر به معروف از واژه خارجی کلینیک برای ارشاد مردم استفاده کرده است؟ شاید هم این یک فرصت خوب برای کسب درآمد باشد، زیرا قطعا بودجه‌ای برای این تشکیلات تعیین خواهد شد.

حال که اینچنین است، باید از عملکردهای ناموفق گذشته درس بگیریم که ادامه دادن سیاست‌های شکست‌خورده با لجاجت ممکن نیست.

قهرمانی تیم فوتبال هفت نفره ایران در جام جهانی با کمک بوشهری‌ها



تیم فوتبال هفت نفره ایران در دیدار نهایی شانزدهمین دوره جام جهانی فوتبال هفت نفره با نتیجه سه بر صفر اوکراین را شکست داد و قهرمان جهان شد.

حسن صفری کاپیتان بوشهری تیم ملی در این مسابقات بود.

حسین تیزبر بازیکن بوشهری و علیرضا طارمی (پدر مهدی طارمی) نیز یکی از مربیان تیم ملی در این مسابقات بودند.

حسین تیزبر بازیکن بوشهری تیم ملی فوتبال هفت نفره بعنوان بهترین بازیکن جام جهانی انتخاب شد.

پست اینستاگرامی حسن صفری کاپیتان بوشهری تیم ملی فوتبال هفت نفره بعد از قهرمانی در جهان



سلام و احترام. بعد از گذشت یک‌سال تمرین با داشتن تیمی متحد، با نظم و یکدل به لطف پروردگار تونستیم مدال طلای جام جهانی رو بدست بیاریم، مدالی که برای اولین بار در تاریخ ورزش کشور رقم خورد. بسیار ممنونم از الطاف همه دوستان، اقوام، دانش‌آموزان عزیزم، هم استانی‌های بزرگوارم و علی‌الخصوص مردم شریف، بزرگوار و فهیم بندر عامری زیبایم. تشکر خاص از خانواده عزیزم بابت صبر و تحمل همه دوری ها و سختی ها.

همه ی این مدال‌هایی که در این سال‌ها بدست آورده‌ام مدیون دعای خیر مادرم هستم و رزق طیب و پاک پدری بوده که دیگر ندارمش.

شادروان علی مصلح، عشق به ورزش و اخلاق را در جامعه گسترش داد



ولید صفری: به بهانه سالگرد یادبود کاپیتان فقید، علی (مرتضی) مصلح، مردی از جنس روزگاران سخت و پرفراز و نشیب، نامی که همچنان در قلب‌های دوست‌داران و علاقمندان به یادگار مانده است.

علی مصلح، کاپیتان پرافتخار تیم شاهین بوشهر، تیم منتخب بوشهر و کارگران استان، با شخصیت مثال‌زدنی و تعهدی عمیق به ورزش و جامعه، نه تنها در زمین فوتبال بلکه در میدان‌های اجتماعی نیز چهره‌ای محبوب و تأثیرگذار بود. او که در روزهای سخت، پرچم‌دار تلاش و امید بود، به الگویی برای جوانان و ورزشکاران استان بدل شد.

متأسفانه، بیش از یک دهه و نیم است که او از میان ما رخت بربسته و به دیار باقی شتافته است. اما یاد و خاطره او همچنان زنده است؛ در هر مسابقه‌ای که نام شاهین بوشهر به گوش می‌رسد، در هر جمعی که از همبستگی و اخلاق ورزشی سخن گفته می‌شود، و در هر دل پرمهری که ارج‌گذار یاد عزیزان از دست رفته است.

علی مصلح نماد تلاش، شجاعت، و تعهد بود؛ مردی که نه تنها تیم خود را رهبری کرد، بلکه عشق به ورزش و اخلاق را در جامعه گسترش داد. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.